



از سری مباحث اقتصاد ایران (شماره ۹)

آسیب‌شناسی وضعیت رشد اقتصادی در ج.ا. ایران

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

مهرماه ۱۳۹۶

بسمه تعالی

مقدمه:

رشد اقتصادی، از اصلی‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه هر کشور است وضعیت رشد اقتصادی در ج.ا. ایران مناسب نمی‌باشد از اینرو لازم است نسبت به بررسی‌های آسیب‌شناختی آن اقدام شود. در روش آسیب‌شناسی، نسبت به شناسایی مهم‌ترین محدودیت‌ها و موانع و همچنین عوامل اصلی کاهش رشد اقتصادی، اقدام می‌گردد و نسبت به رفع آنها چاره‌اندیشی می‌شود. از جمله عواملی که در کاهش رشد اقتصادی در ج.ا. ایران نقش اساسی دارند، می‌توان به «سطح پایین سرمایه‌گذاری» و «وضعیت بهره‌وری» تاکید نمود.

۱- سطح پائین سرمایه‌گذاری:

یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصاد ایران، رشد سرمایه‌گذاری است. بر اساس محاسبات، یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری، منجر به افزایش ۰/۳۷ درصد تولید سرانه می‌شود. بنابراین اثرگذاری متغیر رشد سرمایه‌گذاری، بر رشد اقتصادی قابل توجه است. اما چرا، میزان سرمایه‌گذاری در کشور پائین است؟ پاسخ به این پرسش دارای ابعاد متنوع و گوناگونی است. یکی از عوامل مهم نرخ نامناسب سرمایه‌گذاری در ج.ا. ایران وضعیت نهادهای واسطه سرمایه‌گذاری است. بعنوان نمونه، باید به وضعیت بانکها بعنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای واسطه‌ای برای سرمایه‌گذاری اشاره داشت. بدین معنی که بانکها برای تجهیز منابع مالی جهت افزایش سرمایه‌گذاری بنگاهها و کارآفرینان، دارای تنگناها و محدودیت‌های فراوانی می‌باشند از آنجا که بانکها دارای چالشهای گوناگونی هستند، نمی‌توانند نسبت به تامین منابع سرمایه‌گذاری نقش آفرینی داشته باشند. چالشهای بانکی را می‌توان تحت چهار سرفصل دسته بندی کرد:

۱-۱- کمبود پس انداز: به سبب کاهش سطح در آمد سرانه به قیمت های ثابت، میزان پس انداز در کشور

کاهش پیدا کرده است. جدول ذیل وضعیت تولید ناخالص داخلی و در آمد سرانه به قیمت های ثابت را نشان می‌دهد:

۲۰۱۵	۲۰۱۰	
۴۵۶,۹	۴۶۷,۸	تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت ۲۰۱۰- میلیارد دلار
۲,۵۷۶,۲۹۹	۲,۸۰۶,۹۷۷	درآمد سرانه به قیمت های ثابت - تومان

مأخذ: سری های زمانی بانک جهانی - ۲۰۱۶ - ارقام به تومان و دلار

۲-۱- قفل شدن منابع بانکی: حدود ۵۰ درصد منابع و دارایی بانکیها، قابلیت درآمدزایی و نقدشوندگی خود را

از دست داده‌اند. چرا که بخش قابل توجهی از منابع به حوزه مسکن اختصاص پیدا کرده است و به سبب رکود اقتصادی، بخش مسکن نیز در دوره رکود طولانی بسر می برد. این امر موجب قفل شدن منابع بانکیها گردیده است. مجموع دارایی های قفل شده بانکی، حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان است که حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان منابع بانکی در املاک منجمد شده است.

۳-۱- حجم بالای معوقات بانکی: بررسی ها نشان می دهد، نرخ بین‌المللی معوقات بانکی حدود چهار الی پنج

درصد است. اما این نرخ در ایران بالغ بر ۱۵ درصد منابع بانکی می باشد. این نرخ در خارج از کشور بعنوان نرخ ورشکستگی محسوب می شود. سال ۱۳۹۲ حجم مطالبات معوق نسبت به کل تسهیلات حدود ۱۵ درصد و نزدیک به ۹۰ هزار میلیارد تومان بود. ولی در سال ۱۳۹۵ این نسبت به ۱۰ درصد رسیده که نزدیک به ۱۰۵ هزار میلیارد تومان است.

۴-۱- افزایش هزینه های مالی: سرفصلهای سه گانه مزبور، کمبود منابع بانکی را در بر دارد که موجب عدم

تعادل میان عرضه و تقاضای منابع بانکی شده است. این امر، عدم توانایی بانکیها را برای پاسخگویی به متقاضیان سرمایه گذاری را بدست داده است و وضعیت موجب شکل گیری عامل دیگری تحت عنوان «هزینه بالای تامین مالی» شده است که نقش بازدارنده در خصوص سرمایه گذاری دارد. چرا که سرمایه گذاری به نرخ سود حساس است، با افزایش نرخ سود، میزان سرمایه گذاری کاهش می یابد.

یکی از نکاتی که هم اکنون در وضعیت بنگاههای اقتصادی قابل مشاهده است، افزایش سهم وام‌های کوتاه‌مدت در سبد بدهی بنگاه‌ها است. این امر را باید یکی از نمادهای اصلی چالشهای سرمایه گذاری در ایران محسوب نمود. معنی و مفهوم این پدیده اینستکه بنگاهها به سرمایه گذاری های بلند مدت به سبب «بالا بودن هزینه تامین مالی» توجهی ندارند و تنها به گذر روزانه می پردازند. بدیهی است که عدم انجام سرمایه گذاری بلند

مدت توسط بنگاهها، به کاهش نسبت میزان سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی می‌انجامد و این امر کاهش نرخ رشد اقتصادی را در بر دارد. متوسط میزان سرمایه‌گذاری (با احتساب بخش ساختمان) طی سالهای ۹۵-۱۳۸۳ حدود ۲۴٪ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. براساس آمارهای اعلام شده از سوی وزارت صنعت و معدن، در سال‌های ۹۳ - ۱۳۸۵، میزان سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کاهش داشته است. این امر گویای کاهش جذابیت بخش صنعت برای سرمایه‌گذاران است (قبادی، ۱۳۹۵). گزارش‌های دیگر نیز حاکی از آن است که سهم بخش صنعت و معدن از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور از سال ۱۳۸۳ به بعد، دارای سیر نزولی بوده است. این روند نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور نسبی از بخش صنعت و معدن خارج شده و به سایر بخش‌های اقتصاد ایران تمایل پیدا کرده است. با توجه به نقش ویژه با اهمیت بخش صنعت و صنایع معدنی در رشد پایدار اقتصادی، روند کاهشی سرمایه‌گذاری‌ها در کشور بسیار نگران‌کننده است.

۲- بهره‌وری:

یکی دیگر از مولفه‌های مهم در رشد اقتصادی، وضعیت بهره‌وری است. محاسبات کارشناسان نشان می‌دهد که حتی اگر ج.ا. ایران در پی تحقق نرخ رشد اقتصادی مستمر ۵/۳ درصدی باشد (کمتر از پیش‌بینی نرخ رشد سند چشم‌انداز که بالغ بر ۸ درصد است) نیازمند سرمایه‌گذاری به میزان ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی است (نیلی، ۱۳۹۶). این نسبت، با عملکردهای دهه گذشته فاصله فراوانی دارد. از اینرو می‌توان گفت که تحقق این میزان سرمایه‌گذاری، در دسترس نخواهد بود. لذا باید راهکارهای دیگر همچون بهره‌وری و توجه به اقتصاد دانش‌بنیان را برای نیل به رشد اقتصادی مناسب مدنظر قرار داد. کانون اصلی بهره‌وری و فعالیتهای اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند معطوف به بهبود وضعیت تولید و مصرف انرژی در حوزه‌های نفت، گاز و برق باشد، برآوردها گویای صرفه‌جویی ۱۵ میلیارد دلاری در اثر تمرکز بر بهبود بهره‌وری در حوزه‌های مزبور است.

لازم بذکر است که بر اساس سند چشم‌انداز، حدود ۲/۵ درصد از متوسط رشد اقتصادی ۸ درصدی مورد نظر، باید از طریق بهبود بهره‌وری تامین گردد. ولی متأسفانه عملکردها، گویای وضعیت بسیار نامناسب است. عملکرد بهره‌وری در رشد اقتصادی در دهه اول سند چشم‌انداز (۹۴-۱۳۸۴) تنها حدود ۰/۸ درصد بوده که فاصله فراوانی با اهداف مورد نظر دارد.